روزنامه طلوع

تاریخ ۲۹ مهر ۱۳۹۶ شنبه

صفحه ۶ | شماره ۲۰۸۳ | سال بیست و سوم

ادبی و هنری

هر شب که مرا به چالشی می‌خوانی
اسرار مرا نخوانده هم میدانی
بگذار بخوابم که همه در خوابند
بیدار اگر شوم تو تک می‌مانی

اشرف‌السادات کمانی

(شاهد قدسی «با آفتاب خوبان» می‌جوشد از درونش)

مصادف با یادروز حضرت حافظ شیرازی

پنجشنبه ۲۰ مهر ۹۶ تالار حافظ شیراز سالن غزل

از ساعت چهار عصر شاهد مهمان‌نوازی و روح و مرام قدسی حافظ‌گونه شیرازی‌ها بود.

انجمن بانوی غزل شیراز با مدیریت اشرف السادات کمانی میزبان انجمن حافظ اصفهان با مدیریت جناب استاد مصطفی هادوی متخلص به شهیر اصفهانی و انجمن باران اصفهان با مدیریت جناب نصر و شاعران بزرگ حاضر بود.

و شاهد اجرای برنامه‌های بسیار پر بار.

در شروع جلسه ضمن خیر مقدم به مدعوین، دیدگاه اجتماعی حافظ از زبان اشرف‌السادات کمانی کارشناس ارشد ادبیات مورد بررسی قرار گرفت.

وی اظهار داشت: حافظ زمانه را بهانه شعر خویش می‌کند و می‌سراید:

ز تندباد حوادث نمی‌توان دیدن
در این چمن که گلی بوده است یا سمنی
از این سموم که بر طرف بوستان بگذشت
عجب که بوی گلی هست و رنگ یاسمنی
به صبر کوش توای دل که حق رها نکند
چنین عزیز نگینی به دست اهرمنی
مزاج دهر تبه شد در این بلا حافظ
کجاست فکر حکیمی و رأی برهمنی

یکی از مفاهیم آزادی در ادبیات کلاسیک، عدم دلبستگی به این دنیاست:

فاش می‌گویم و از گفته خود دلشادم
بنده عشقم و از هر دو جهان آزادم

حافظ را در شرایطی در نظر آوریم که زاهدان ریایی و فریب‌کار زمام امور را در دست گرفته‌اند، راه‌های اندیشه و افکار بسته است، در میکده‌هایی که توسط امیر مبارزالدین برای خوشامد همان سالوسان بسته شده، خبری از دادگری نیست و آزادی محدود شده به زندان زاهدان طامع گرفتار آمده است. در چنین اوضاع و احوالی است که حافظ زبان آزادگی و وارستگی خویش را به کار می‌گیرد و بر هر ریا و زهد ریایی و هر کسی که آزادمنشی را پایمال می‌کند می‌تازد. پیش از هر چیز باید بپذیریم که حافظ اهل معرفت و دقت است:

جهان و هرچه در او هست سهل و مختصر است
ز «اهل معرفت» این مختصر دریغ مدار

گاه دل خونین خود را از دست مردم زمانه خویش به تصویر می‌کشد:

جای آن است که خون موج زند در دل لعل
زین تغابن که خزف می‌شکند بازارش

گاه طریق آزاداندیشانه خویش‌را در رد و انکار طریق زاهدان و صوفیان ریایی زمانه خویش معطوف می‌دارد و خرقه‌های بسیاری را که به وسیله آن عده‌ای امیال نفسانی و دنیادوستی خویش را می‌پوشانند مستوجب آتش می‌داند:

آتش زرق و ریا خرمن دین خواهد سوخت
حافظ این خرقه پشمینه بینداز و برو

***

صوفی نهاد دام و سر حقه باز کرد
بنیاد مکر با فلک حقه‌باز کرد

***

زاهد و عجب و نماز و من و مستی و نیاز
تا تو را خود ز میان با که عنایت باشد

***

حافظا می خور و رندی کن و خوش باش ولی
دام تزویر مکن چون دگران قرآن را

گاه از پایان روزگار تیره‌بختی و آغاز سرخوشی و مراد سخن می‌گوید که نشان از امیدواری آزاداندیشانه اوست:

مژده‌ای دل که مسیحا نفسی می‌آید
که ز انفاس خوشش بوی کسی می‌آید

***

رسید مژده که ایام غم نخواهد ماند
چنان نماند و چنین نیز نخواهد ماند

***

سرود مجلس جمشید گفته‌اند این بود
که جام باده بیاور که جم نخواهد ماند

گاه آزادی را در بند عشق می‌داند:

فاش می‌گویم و از گفته خود دلشادم
بنده عشقم و از هر دو جهان آزادم

به هر روی آنچه مسلم است این است که حافظ شرایط زمانه خویش را نمی‌پسندد و بسیاری از مسائل زمانه او از طعن و طنزش به دور نمانده است، برهمین اساس می‌توان چنین استنباط کرد که حافظ در پی مدینه فاضله‌ای است که در آن زندگی و حقیقت انسان و انسانیت و شرف به عنوان بخشی از ظرفیت‌های اجتماعی آن، به نحوی مطلوب و به دور از تعصب و مملو از عدالت و راستی و درستی باشد.

اگر در زمانه حافظ و مدت‌ها پس از دوران زندگی او، خبری از نهضت‌های اجتماعی نیست، ولی شعر حافظ خود نهضتی است در آزاداندیشی که زمان و مکان را درنوردیده و فرهنگی را عرضه کرده که عصاره و چکیده فرهنگ غنی و استوار ایران است و اگر بدان گوش فرا دهیم و خود را از تنگ‌نظری‌ها و حصارهایی که دور خویش کشیده‌ایم آزاد سازیم دموکراسی را آن‌گونه که امروز مطرح است و نهضت‌های اجتماعی در دوره معاصر پیوسته درصدد تبیین و تحلیل آن هستند در شعر او خواهیم یافت. به گونه‌ای که می‌توان پیام او را به جهانیان مخابره کرد. پیام انسانیت و انسان‌گرایی شاعری چون حافظ این قابلیت و توانمندی را دارد که مرزها را درنوردد و با اندیشه آزاد و آزادی‌خواهی خویش دل‌های جهانیان را مسحور خویش کند.

در ادامه شعرخوانی شاعران گرانقدر شیراز و اصفهان و شهرهای دیگر و سخنرانی‌های مرتبط با مقام بزرگ حافظ گرمابخش جلسه بود.

در اولین سخنرانی اندیشه‌ورزی تعالی آفرین از منظر حافظ با دیدگاه جناب دکتر علیان به بحث گذاشته شد، و مطرح فرمودند:

اندیشه اساس زندگی انسان را تشکیل می‌دهد و اندیشه‌ورزی رکن اساسی سعادت فرد و جامعه است اندیشه انسان را به دو دنیای عقل و عشق رهنمون می‌سازد و در پرتو آن انسان از یک دانشمند به یک فرد اندیشمند تبدیل می‌شود حال این سؤال مطرح است اساس اندیشه ورزی چیست؟

اساس اندیشه ورزی پرسش‌های کلیدی زندگی است که با چرا شروع می‌شود و جالب است حافظ ما را با این چراهای اساسی مواجه می‌سازد اما مسئله این است که انسان‌ها نسبت به سؤالات چرا حالت تدافعی می‌گیرند؛ اما حافظ با رندی خاص خود چنان این چراها را لطیف مطرح می‌کند که از ورود به آن احساس شادی هم پیدا می‌کنیم.

اگر اندیشه‌ورزی تعالی آفرین در جامعه ما حاکم شود می‌توانیم ادعا کنیم که جامعه ما به اندیشه‌ورزی حافظانه دست یافته است یعنی هر کدام‌مان با رویکرد حافظانه اندیشه‌های زیبایی در درون‌خود خلق کنیم و به جامعه عرضه کنیم تا عطر این جوانه‌های اندیشه رایحه خوش عشق و شادی را در جامعه پخش شود.

و در دومین سخنرانی رندی در اشعار حافظ از دیدگاه هوشنگ صدیق دکترای ادبیات مورد بررسی قرار گرفت. ایشان ابراز داشتند:

سخن از رندی در ذهن و زبان حافظ است. رندی سنتزی است که حافظ با آن توانسته جمع اضداد را به سر منزل مقصود برساند و آنرا هنرمندانه در مقابل زهد ریایی و ریا و تزویر عصر خویش که با انواع تعصبات جاهلانه آمیخته شده است علم نماید و رؤیا رویی زاهدان حیله گر را بر ملاً کند. از آنجاست که می‌گوید:

حافظ مکن ملامت رندان که در ازل
ما را خدا ز زهد و ریا بی‌نیاز کرد

در ادامه:

نی نوازی توسط استاد کیوان فر که خود سالیان زیادی افتخار شاگردی استاد کسایی را داشته‌اند، حالتی روحانی همراه با شعرخوانی استاد شهیر اصفهانی به فضای جلسه هدیه کرد و برنامه‌های اختصاصی و ویژه عزیزان ادیب و هنرمند اصفهان که رنج سفر را متقبل شده بودند نیز حال و هوایی خاص داشت. حضور پر شور و حداکثری شاعران و ادیبان، هنرمندان و عزیزان شعر دوست که بسیاری به علت استقبال زیاد و کمبود صندلی ایستاده نظاره گر بودند نیز گرما بخش جمع صمیمی سالن غزل شده بود.

حضور ارزشمند حلقه صمیمانه‌ی هنرمندان ادیبان اندیشمندان و فرهیختگان همیشه روشنایی بخش راه بوده و خواهد بود.

ساحل زاهدی

ای عشق بیا ماه دل و کوی غزل باش
در فصل شب کوچ پرستوی غزل باش
در خیس‌ترین حالت دریا زده‌ی چشم
با شورش احساس هیاهوی غزل باش
حیران شده چشمان من ازتاب نگاهت
آن شاعره‌ی پیچ دو گیسوی غزل باش
وقتی که زمستان بزند تار سپیدش
چون نقش سیاهی به سرموی غزل باش
کابینه‌ی این مجلس بی یار تو هستی
در دولت این عشق سخنگوی غزل باش
در وهم سکوتی که نشسته ست دراینجا
چون زنگ صدایی به النگوی غزل باش
هرشب به ردیفی که تو هستی بنشینم
در قافیه‌ی درد فرا روی غزل باش
وقتی که صدای نی قلبم شده خسته
ای عشق بیا نی زن و دلجوی غزل باش
یلدای نگاه تو رسیده ست براین دشت
یک ماه میان شب و ابروی غزل باش
در وقت درو کردن هر گندم احساس
نیروی تن ودست و دوبازوی غزل باش
با دیدن این عقربه‌ی ثانیه‌هایم
چون عمر گرانمایه لب جوی غزل باش
درمانده‌ام از کار خودم ای همه خوبی
در سینه تو لا حول و ولا گوی غزل باش
دریای دلم چون ظلمات است بیا و
فانوس لب ساحل و سوسوی غزل باش

منتظر داستان و اشعار شما هستیم

لطفاً مطالب خود را با درج شماره تلفن به دفتر روزنامه یا آدرس الکترونیکی ذیل ارسال نمائید.
ضمناً روزنامه در ویرایش مطالب ارسالی، آزاد است و مطالب ارسالی برگشت داده نمی‌شود.
tolou.news@yahoo.com

کارشناس (این شماره) سرویس ادبی - هنری: اشرف السادات کمانی

«کارخانه‌ی آدم‌سازی»

علی حاتمی «ع. آیدن»– شهریور ۱۳۹۶

آن چه در دنیای مدرن از مغرب زمین شروع شد و دامنه‌ی سیطره‌اش را تا اقصانقاط جهان فرا گسترد در وهله‌ی نخست، ایجاد و اختراع ماشین‌هایی بود که قادر بودند نه تنها بدون خمودگی و خستگی چندین برابر نیروهای انسانی محصول تولید کنند که به طرز شگفت‌انگیزی تمامی محصولات تولیدی‌شان دقیقاً شبیه هم می‌بود! گویا هزارقلوهایی شبیه هم؛ از جمله صنعت عظیم پلاستیک‌سازی، اما این فرایند تنها در عرصه‌ی صنعت محدود نماند و به زودی در همه‌ی حیطه‌های دانش و علوم به نوعی خود را نشان داد، از جمله تعلیم و تربیت، حکومت‌ها دست در دست بنگاه‌ها و کارتل‌های عظیم اقتصاد جهانی به تحقیق دریافته بودند که باید جمعیت و نیروی انسانی که حالا دیگر به دلیل توسعه رفاه و بهداشت نسبی، افزون شده بودند را در جهت ایدئولوژی چرخه‌ی روزافزون تولید – مصرف حاکم، مهار و هدایت کنند، در جهت نیل به این هدف، چگونه می‌شد از عرصه‌ی تعلیم و تربیت از کودکی غافل ماند؟! به همین خاطر انگار با الگو گرفتن از کارخانه‌های پلاستیک‌سازی و غیر آن، بر آن شدند همه‌ی کودکان را به زعم خود وارد این دستگاه عظیم تعلیم و تربیت نموده و همه را با یک شکل و آموزش و تربیت یکسان تحویل جامعه دهند. حکایت شده است حاکمی در دهکده‌ای زندگی می‌کرد که عقیده داشت قد همه‌ی رعیت‌هایش باید به اندازه او باشد، به همین خاطر دستور داد، آدم‌های کوتاه قدتر را روی تختی دراز کنند و آن قدر بکشند که هم‌اندازه‌ی او شود و پای افراد بلند قدتر را ببرند! این دیدگاه شاید کم‌تر از یکی دو قرن پس از رنسانس، در کشورهای پیش تاز دانش و صنعت دوام آورد؛ جامعه‌شناسان و روان‌شناسان و اندیشمندان عرصه‌ی آموزش و تربیت به خوبی دریافتند که این روش دگم و تحول گریز! نمی‌تواند همواره ثمربخش باشد و کم کم نسیم‌های رهایی بخش و انسان‌گرا، در حاکمیت‌ها و مدارس وزیدن گرفت. سعی و تلاش بر این شد که آموزشگاه‌ها و مراکز آموزش رسمی به ویژه در سال‌های نخست تحصیل، بیش از پیش به فضای گرم خانواده، نزدیک و شبیه شود! دیگر سواد، تنها توانایی خواندن و نوشتن معنا نمی‌شد؛ باید آداب معاشرت و زندگی سالم و مدارا با سایر افراد جامعه نیز به کودکان آموزش داده می‌شد و ارزش آن نه تنها کم‌تر از سواد نبود که بیشتر هم احساس می‌شد، به ویژه با مشاهده‌ی خشونت‌ها و جنایاتی که در جوامع نابرابر صنعت زده و مدرن آن زمان اتفاق می‌افتاد؛ در واقع به مرور زمان، توسعه‌ی همه جانبه انسانی جای توجه صرف به پیشرفت و تزاید ثروت و دانش را لااقل در شعار گرفت! اگر هم در همه‌ی کشورهای صنعتی این پروسه به این شکل اتفاق نیفتاد، می‌توان لااقل بر اساس دیدگاه‌های متنفذین و صاحب نظران اجتماعی آن‌ها چنین ادعا کرد که لااقل سعی و تلاش بخش عمده‌ای از افراد آن به این سمت و سو بوده است؛ اگرچه این پروسه نمی‌تواند یک شبه شکل گیرد و یا به ثمر بنشیند!

اما در جوامع جهان سوم و به ویژه کشور ما، متأسفانه اگر چه حرکت‌های شتاب زده و مقطعی و بدون مطالعه اساسی در دوره‌های مختلف به تقلید سطحی از نظام تعلیم و تربیت برخی جوامع نیمه پیشرفته! صورت گرفته است اما انگار این سیستم فسیل و خواب زده یارای بیداری و تحول راستین ندارد! به نظر می‌رسد چنین نیازی از جانب تصمیم گیرندگان اصلی سیستم آموزش و پرورش در جهت تحول اساسی، هنوز احساس نشده است! شاید هم نسبت به برخی شئون دیگر جامعه، اهمیت آن درک نشده است. یک مثال ساده: آیا واقعاً نیاز است جمع ساعاتی که یک دانش‌آموز اول دبستان و یا حتی دوره‌ی سه ساله‌ی نخست دبستان، تقریباً به اندازه‌ی ساعات ششم و متوسطه‌ی اول و دوم باشد؟! آیا این رسم و سنت باید به همین شکل، تابو و مقدس باقی بماند؟! در مورد واحدهای درسی و کتاب‌ها و مطالبی که در مدارس آموزش دیده می‌شود هم این دگم‌اندیشی محسوس است! چه دلیلی دارد مواد درسی دانش‌آموزان شمال کشور با مثلاً دانش‌آموزان حاشیه

کویر نشین دقیقاً یکسان باشد؟! به چه دلیلی همه‌ی مدارس حتی یک شهرستان – چه دولتی و چه غیر دولتی – باید مواد درسی و آموزشی‌شان دقیقاً یکسان باشد؟! با توجه به این که تنوع جغرافیایی و فرهنگی در کشور ما رنگین‌کمان زیبایی از تنوع و تفاوت‌هاست؟! به نظر این جانب، مثل بسیاری از کشورهای توسعه یافته جهان، ایده‌آل ما باید این‌گونه باشد که نظام آموزش و پرورش به سمت خصوصی‌سازی برود و در اختیار خود مردم البته با صلاحیت سنجی صحیح و علمی، قرار گیرد منتهی دولت و حاکمیت از نظر مالی حمایت کنند و نظارت مشفقانه و اصولی را در دستور کار داشته باشند، همچنین مدارس به جز در چند مورد مواد درسی و آموزشی که باید در همه‌ی مدارس مشترک باشد از جمله آموزش زبان رسمی، حقوق شهروندی و... در انتخاب سایر مواد درسی و نوع آموزش در رابطه تنگاتنگ با نهاد خانواده، آزاد باشند... اما عجالتاً در شرایط کنونی قبل از هرگونه ایده‌آل‌گرایی، دولت و متولیان آموزش و پرورش باید به وضع معیشت معلمان و رفع تبعیض ناعادلانه آن‌ها نسبت به سایر کارکنان و پرسنل نهادهای دولتی، در جهت حفظ کرامت فرهنگ‌وران عرصه‌ی تعلیم و تربیت و آموزش یاران عزت و آزادگی به فرزندان مملکت اهتمام نمایند!

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی و دادخواست و ضمائم به آقای محمدرضا عشقی

خواهان آقای کاظم خشنام فرزند مهدی دادخواستی به طرفیت خوانده آقای محمدرضا عشقی فرزند علی اصغر به خواسته مطالبه مطرح که به این شعبه ارجاع و به شماره پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۸۸۸۵۷۰۰۳۳۲ شعبه دوازدهم شورای حل اختلاف ویژه فرهنگیان کازرون ثبت و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۶/۹/۷ ساعت ۱۶ تعیین که حسب دستور دادگاه طبق موضوع ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی به علت مجهول المکان بودن خوانده و درخواست خواهان مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می گردد تا خوانده ظرف یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود، نسخه ثانی دادخواست و ضمایم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر گردد.

۶/۱۳۶۲ ۹۴۷/م الف

شعبه دوازدهم شورای حل اختلاف ویژه فرهنگیان کازرون

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۶۶۰۳۱۱۰۳۴۰۰۲۳۳۲ - ۹۶/۷/۱۱ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی عابدین نصیری پودنک فرزند کریم به شماره شناسنامه ۱۳۲۹ صادره از شیراز به شماره ملی ۲۲۹۲۵۳۹۳۹۱ در اعیانی ششدانگ یک باب خانه ساخته شده در عرصه یک قطعه زمین موقوفه به مساحت ۱۷۹/۴۷ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۰۷۰ اصلی واقع در بخش ۴ شیراز که برابر یک فقره اجاره نامه عادی با حق احداث اعیانی به متقاضی واگذار گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۱۳۷۲/م الف

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۶/۷/۲۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۶/۸/۱۴ ۲۵۵۱۴/۱۵۳۶۶

جهانبخش اسفندیاری نیا– رییس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو شیراز

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۶۶۰۳۱۱۰۳۴۰۰۲۲۵۹ - ۹۶/۷/۴ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی محمدعلی آصف پور فرزند خداکرم به شماره شناسنامه ۱۳۹۲ صادره از شیراز به شماره ملی ۲۲۹۲۵۴۰۰۲۹ در سه دانگ مشاع از ششدانگ اعیانی یک باب ساختمان تجاری مسکونی ساخته شده در عرصه یک قطعه زمین موقوفه به مساحت ۳۶۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۰۷۰ اصلی واقع در بخش ۴ شیراز که برابر یک فقره اجاره نامه عادی با حق احداث اعیانی به متقاضی واگذار گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۱۳۷۱/م الف

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۶/۷/۲۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۶/۸/۱۴ ۲۵۵۱۱/۱۵۳۶۴

جهانبخش اسفندیاری نیا– رییس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو شیراز

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۶۶۰۳۱۱۰۳۴۰۰۲۰۸۷ - ۹۶/۶/۲۵ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه دو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی جلیل غضنفری شبانکاره فرزند خلیل به شماره شناسنامه ۳۳۷ صادره از آبادان به شماره ملی ۱۸۱۹۳۴۵۴۳۲ در اعیانی ششدانگ یک باب خانه ساخته شده در عرصه یک قطعه زمین موقوفه به مساحت ۱۵۳/۸۲ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۰۷۱/۴۶ اصلی واقع در بخش ۴ شیراز که برابر یک فقره اجاره نامه عادی با حق احداث اعیانی به متقاضی واگذار گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۱۳۷۰/م الف

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۶/۷/۲۹ ۲۵۵۱۲/۱۵۳۶۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۶/۸/۱۴

جهانبخش اسفندیاری نیا
رییس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو شیراز

آگهی ابلاغ وقت دادرسی

بدینوسیله اعلام می¬شود خواهان جلیل نیاکان دادخواستی به خواسته تنفیذ تقسیم نامه های مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۲۲ و ۱۳۹۳/۵/۲۰، به طرفیت ۱- اسداله خواجه رحیمی ۲- عبداله خواجه رحیمی ۳- لطف اله خواجه رحیمی ۴- ملک محمد حسام الدینی ۵- رحمتی بی بی نادری ۶- فاطمه بی بی نادری ۷- محمدرحیم بی بی نادری ۸- شکراله پراده ۹- مختار خندان ۱۰- اسماعیل حسامی ۱۱- اسماعیل حسام الدینی ۱۲- شکراله براده ۱۳- نصراله آهی ۱۴- کرامت حسام الدینی ۱۵- عوض سیروس ۱۶- صفر آهی ۱۷- رجب حسام الدینی ۱۸- محمدکریم حسام الدینی ۱۹- محمدجواد حسام الدینی ۲۰- زهرا حسام الدینی ۲۱- فرنگیس حسام الدینی ۲۲- مصطفی حسام الدینی ۲۳- داریوش حسام الدینی ۲۴- عین اله نیکو ۲۵- عبدالرسول نوذری ۲۶- محمود نوذری ۲۷- منوچهر نوذری ۲۸- معصومه خندان ۲۹- زبیده خندان ۳۰- فاطمه خندان ۳۱- سکینه خندان ۳۲- زینب خندان ۳۳- مظفر خندان ۳۴- ابوالفتح خندان ۳۵- احترام رنجکش ۳۶- تیمور رنجکش ۳۷- سلیمان رنجکش ۳۸- مختار رنجکش ۳۹- ملک خورشید رنجکش ۴۰- محمد نیک صفت ۴۱- ناصر پی زاده ۴۲- ناصر پیرزاده ۴۳- بانو کتان آین ۴۴- حیدر نامی نژاد ۴۵- سعادت نامی نژاد ۴۶- ماشااله نامی نژاد ۴۷- خداداد نامی نژاد ۴۸- حلیمه نامی نژاد ۴۹- کرامت نامی نژاد ۵۰- اکبر نامی نژاد ۵۱- قادر نامی نژاد ۵۲- بهادر نامی نژاد ۵۳- مهدی نامی نژاد ۵۴- رحمتی آین ۵۵- زهرا بیون آین ۵۶- حیدر بیون ۵۷- احد بیون ۵۸- صمد بیون ۵۹- معصومه بیون ۶۰- منور بیون ۶۱- محبوبه بیون ۶۲- طاهر بیون ۶۳- سکینه بیون ۶۴- آغابی بی نظرپور ۶۵- بمون جان آین ۶۶- صفر آین ۶۷- علی اصغر آین ۶۸- کبری آین ۶۹- زبیده آین ۷۰- سعید آین ۷۱- لیلا آین ۷۲- قاسم آین ۷۳- نصراله آین ۷۴- مسعود آین ۷۵- طوبی آین ۷۶- زهرا آین ۷۷- عباس صحرایی ۷۸- مسعود صحرایی تسلیم دادگستری کازرون نموده که به این شعبه ارجاع و به کلاسه ۹۵۰۳۵۰ ح ۲ ثبت و وقت رسیدگی برای روز ۹۶/۹/۱۱ ساعت ۱۱ صبح تعیین شده است با توجه به مجهول المکان بودن خواندگان به درخواست خواهان و دستور دادگاه و تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی مراتب یک نوبت آگهی می¬شود تا خواندگان از تاریخ انتشار این آگهی ظرف یک ماه به دفتر این دادگاه واقع در دادگستری کازرون مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمایم را دریافت نموده و در وقت یاد شده جهت رسیدگی حاضر گردد در غیر این صورت وفق مقررات قانونی اتخاذ تصمیم خواهد شد. ۹۴۶/ م الف ۶/۱۳۶۳

شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان کازرون